

# پیام مهم امام

## منشور انقلاب اسلامی

### مقدمه

تمام توان همچنان کوشیده است تا با انواع توطئه‌ها از جمله جنگ تحمیلی و تحریف محتوای حج و بالاخره به خاک و خون کشیدن حجاج بیت الله مایع از پیروزی اسلام در این دو جنبه مبرا شود.

پس یکبار شنیدن با خواندن رهنمودها و پیامهای امام و بویژه پیام حج و از آن گذشتن گناهی است نابخشودنی و باید تا آنجا آنرا بگوش جان بشنوم و با چشم بصیرت بخوانیم که جزء جزء آن بر صفحه دلمان نقش پایداریافته و همچون قانونی اساسی زینبای اندیشه و برنامه ریزیهای گسترده عملی و راهگشای حرکت ما شود.

پیام امام نه پیام اعمال است و نه فقط برای حجاج که منشور زندگی بخش است برای تاریخ و برای تمام مسلمانان و مستضعفان دردمند جهان و هشدار در حالی که امام و امت عاشق پشه‌اش هفت شهر عشق را گشته و جان برکف برای تحقق اسلام در صحنه گیتی عسی خروشد، مبادا ما بجای خدمتگزاری خالصانه در این راه همچنان در غم کوچک پس کوچک‌ها و بین بست‌های تنگ و تاریک خود محوری‌ها و خط‌بازیه‌ها و منازعات و عدم توجه به بار سنگین مسئولیت‌مان، نه خود را که همه چیز را به بازی گرفته و با کردارمان چهره اسلام و انقلاب را مکتدر کنیم خداها! ما بعد از پیام روحبخش پنده نشانیته‌ات دیگر سخنی برای گفتن نداریم جز دعا به درگاهت که ما را به درک و عمل به این پیام و سایر سخنان او که همه سرچشمه گرفته از وحی تو است موفق فرمائی ان شاء الله.

یکی از ویژگیهای حضرت امام مدظله که برای پیگانگان از مکتب وحی و فرهنگ اسلام قابل تصور نیست این است که در سخن گفتن و نوشتن معظم له هیچکس کمترین نقشی را نداشته و این شخص امام است که علیرغم بیش از هشتاد و چندسال سن و مشاغل خطیر رهبری و مرجعیت مثلاً در مورد حج سالهای متعددی است که مفصل‌ترین و پرمحتوی‌ترین پیامهای سرنوشت‌ساز را برشته تحریر گشیده‌اند. پیامهایی که عصاره یک عمر تقوی، تزکیه نفس، اجتهاد و ذوق شایسته در معارف اسلام و قرآن و تبحر در فقه و منابع وحی الهی است.

اکنون خداوند متعال حجت را بوسیله روح و آیت خود بر ما تمام کرده و اهداف رهائی بخش و جهان شمول اسلامی را، که هرگز در دایره تنگ ملی گرائیها و مرزبندیهای موهوم القیومی و نژادی نمی گنجد. و راههای وصول و تحقق آنها را روشن و مشخص فرموده است:

امام از یک سو بر ساختن یک جامعه الگویی اسلامی در داخل جمهوری اسلامی اهتمام اکید دارند و از سوی دیگر در پیامهای حج تأکید بر تحقق بخشیدن به فلسفه حج این کشور عظیم الهی که از «ناس» یعنی مردم، نه نمایندگان قلابی و احزاب کذائی! تشکیل می‌یابد، بهترین و نزدیکترین راه را برای صدور و گسترش انقلاب جهانی اسلام و قیام «ناس» علیه کفر و العاد جهانی برگزیده است و دشمن نیز با

### باسدار اسلام

برگزید گانش به ما رسانده که «الله نور السموات والارض» و با ظهور جمیلتش، پرده از جلالش برافکننده که «هو الاول والآخر والظاهر والباطن» و به کتب مقدس آسمانی که از حضرت غیب برانیش از «صغی الله» تا «خلیل الله» و از «خلیل الله» تا «حیب الله» صلوات الله و سلامه علیهم وسلم نازل فرموده، راه وصول به کمالات و فتای در کمال مطلق را تعلیم فرموده و سلوک الی الله را گوشزد کرده چون کریمه «ومن یرح من بیته مهاجراً الی الله» و طریق برخورد با مؤمنین و دوستان خود و ملحدین و مستکبرین و دشمنان خویش را آموخته «محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم» و هزاران شکر که ما را از امت خاتم النبیین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم قرار داد،

بسم الله الرحمن الرحیم

ومن یرح من بیته مهاجراً الی الله ورسوله، ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله.

الحمد لله علی آلائه والصلوة والسلام علی انبیائه سیما خاتمهم وفضلهم وعلی اولیائه وخصوصاً عباده سیما خاتمهم وقاتمهم ارواح العالمین لمقدمه الفداء.

قلها و زبانها و گفتارها و نوشتارها عاجز است از شکر نعمتهای بی‌پایانه که نصیب عالمیان شده و می شود. خالقش که با جلوه سراسرنواری خود عوالم غیب و شهادت و سر و عین را به نعمت وجود آراسته و ببرکت



فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل  
تفرعن آمریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده اند و  
نمی خواهند صدای خشم و نفرشان برای ابد در گلوهایشان خاموش  
و افسرده بماند و اراده کرده اند که آزاد زندگی کنند و..... امام خمینی



عزیز اسلامی ایران از همیشه باید اتر و ملت عظیم آن سرفرازتر و  
قوای مسلحه آن پر قدرت تر و جوانان و سالمندان آن مصمم تر و حوزه های مقدس  
علمیه آن در سایه مراجع معظم و علماء اعلام کثرت الله انالهم پر شورتر و پیوند  
حوزه ها و دانشگاهها استوارتر و قوای سه گانه آن فعال تر و جهاد سیاسی و  
فرهنگی و نظامی آن روبه رشد تر و دشمنان آن که در حقیقت دشمنان اسلام و  
استقلال کشور هستند ضعیف تر و زبون تر و کاخهای مستکبران لرزان تر و رسوایی  
کاخ سیاه برملاتر و پریشان گوئی و دلهره کاخ نشینان افزون تر و سردرگمی  
رسانه های گروهی جهان که انعکاس سردرگمی کاخ نشینان است واضح تر  
گردیده است.

لازم است در این جوی که پیش آمده است، مسلمین و مستضعفان جهان،  
آگاهانه از آن استفاده کرده و جمیع فرق مسلمین و مستضعفان دست در دست  
هم داده و خودشان را از قید اسارت ابرقدرتها خارج نمایند.  
اینک نذکرانی را عرض میکنم:

۱- اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج  
است باید در ایام حج بصورت نظاهرات و راهپیمائی، با صلابت و شکوه هر چه  
بیشتر و بهتر برگزار شود و حجاج محترم ایرانی و غیر ایرانی با هماهنگی کامل با  
مسئولین حج و نمایندة اینجانب جناب حجت الاسلام آقای کروبی در کلیه  
مراسم شرکت نمایند و فریاد کوبنده برائت از مشرکان و ملحدان استکبار  
جهانی و در رأس آنان آمریکای جنایتکار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و  
از ابراز بغض و کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند.

مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و  
برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل  
نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه ای سزاوارتر از کعبه و خانه  
امن و طهارت و ناس که در آن به هر چه تجاوز و ستم و استعمار و بردگی و یا  
دون صفتی و نامردمی است عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق «الست  
برایکم» بت آله ها و اربابان متفرقون شکسته شود و خاطره مهم ترین و بزرگترین  
حرکت سیاسی پیامبر در «واذان من الله ورسوله الی الناس یوم الحج الاکبر»  
زنده بماند و تکرار شود. چرا که سنت پیامبر و اعلان برائت، کهنه شدنی نیست  
و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نمیشود که باید مسلمانان،  
فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض  
عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات نزدیک  
آفرینان و منحرفین و منحرفین گوش فرا ندهند و لحظه ای از این آهنگ مقدس  
توحیدی و جهان شمولی اسلام غفلت نکنند که مسلماً جهان خواران و دشمنان  
ملتها بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حبله ها و تزیورها و چهره های  
گونگون متمسک میشوند و روحانی نماها و آخوندهای دریاری و اجیرشدگان  
سلاطین و ملی گراها و منافقین به فلسفه ها و تفسیرها برداشتهای غلط و  
منحرف روی می آورند و برای خلع سلاح مسلمانان و ضربه زدن به صلابت و

الفضل و اشرف موجودات و از پیروان قرآن مجید، اعظم و اشرف کتب مقدسه و  
صورت کتبه حضرت غیب مستجمع جمیع کمالات بصورت وحدت جمعیه و  
صناعت حفظ و صیانت آنرا از دستبرد شیطین انس و جن فرموده «انا نحن  
زلنا الذکر وانا له لحافظون» قرآنی که نه یک حرف بر آن افزوده شده و نه یک  
حرف کاست. کتاب کریمی که ما را از برخورد انبیاء معظم الهی با مستکبرین  
جهان و جهانخواران در طول تاریخ آگاه نموده و از طرفه حضرت خاتم الرسل  
صلی الله علیه و آله وسلم با مشرکان و زورگویان و کفار و در رأس آنان منافقان  
مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری است.

در این کتاب جاوید می بینیم که فرموده «قل ان کان آبائکم و ابنائکم  
و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال افرقتموها و تجارة تخشون کسادها  
و ما کن ترضونها احب الیکم من الله ورسوله و جهاد فی سبیله فترضوا حتی  
باتی الله بامرہ و الله لایهدی القوم الفاسقین». خطاب به مصلحت اندیشان و  
سازشکاران و منافقان برای شهادت جوانان و از دست رفتن مالها و جانها و  
حسارتها دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حب خدای تعالی و رسول اکرم  
صلی الله علیه و آله، در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده  
و تبه داده که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ  
اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید.  
از ذلت و اسارت و بریاد رفتن ارزشهای اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها  
که خوف آنرا داشتید، از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره و بدیهی  
است که همه اینها پی آمد ترک جهاد خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون  
گرفتار آن هستیم و اشاره به این امر است آیه کریمه «فلیحذر الذین یخالفون عن  
امرہ ان تصیبهم فتنة او یصیبهم عذاب الیم» و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه  
دشمنان اسلام خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن  
حکومتهائی مثل ستمشاهی و برگرداندن مستشاران غارتگر و بریاد رفتن حرث و  
نسل ملت که بر سر کشور و ملت ایران آن آید که بر سر کشور عراق و ملت  
مظلوم آن در این چند سال آمد.

### انقلاب استوارتر می شود

و حمد و شکر بی پایان بر عنایات حق جل و علا که در آستانه عزیمت  
حجاج محترم ایرانی بسوی معبد عشق و مرقد معشوق و هجرت بسوی خدای  
تعالی و رسول معظمش صلی الله علیه و آله وسلم ندای اسلام بر اقصی بلاد  
جهان طنین افکند و بیرق معنوی اسلام در افطار عالم به اهتزاز درآمده و  
چشم های جهانیان بسوی کشور ولی الله اعظم ارواحنا لمقدمه الفداء دوخته  
شده و برغم بدخواهان و منحرفان که کوس رسوایشان بر سربازها زده شده و  
برخلاف خواہای خرگوشی آنان که وعده سقوط جمهوری اسلامی را در سه ماه  
یا یکسال بخود و اربابان خود میدادند امروز پس از سالها کشور





من، خون و جان ناقابل خویش را برای ادا و احیای حق و فریضه قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی بت پرستی است ادامه می دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگان که به ستم و ظلم

ایست و اقتدار امت محمد(ص) به هرکاری دست میزنند.

و چه بسا جاهلان متسک بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمائی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است، نه میدان صف آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان مهتک القاء کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز کار دنیاداران و دنیا طلبان بوده است و ورود در مسائل سیاسی آنهم در ایام حج، دون شأن روحانیون و علما میباشد که خود این القائات نیز از سیاست مخفی و تحرکات جهان خواران بشمار میرود که مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزشهای الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بی خبران و دل مردگان و پیروان شیاطین بیش از این مجال حمله را بصرف عقبه و عزت مسلمانان ندهند.

و از همه جا و همه سرزمینها و خصوصاً از کعبه حق بجنود خدا متصل شوند و زائران عزیز از بهترین و مقدسترین سرزمینهای عشق و شعور و جهاد به کعبه بالا نری رهسپار شوند. و هم چون سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از توهّم زرم به غسل شهادت و خون رو آورند و به اعنی شکست ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد و نه غرب، که مسلماً روح و پیام حج جبر دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان هم دستور العمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.

به هر حال اعلان برائت در حج تجدید میثاق مبارزه و تمرین نشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستی هاست و به شعار هم خلاصه نمیشود که سرآغاز علی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدا در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید بشمار میرود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند پس در کجا میتوانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیا نیست پس قافل و پناهگاه آنان در کجاست؟

خلاصه، اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر و طیفه ماست و در هر عصر و زمانی جلوه ها و شیوه ها و برنامه های مناسب خود را میطلبید و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته اند و تمامی مظاهر ملی، فرهنگی، دینی و سیاسی ملت را باز چیه هوسها و شهوتها نموده اند چه باید کرد؟

آباید در خانه ها نشست و با تحلیلهای غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القاء روحه ناتوانی و عجز در مسلمانان عملاً شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است منع کرد. و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت پرستی ها منحصر به سنگ و چوبهای بی جان بوده است و تعوذ بالله یا مبرائی همچون ابراهیم در شکستن بتها

پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران صحنه مبارزه را ترک کرده اند و حال آنکه تمام بت شکنها و مبارزات و جنگهای حضرت ابراهیم با سرودیان و ماه و خورشید و ستاره پرستان مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرتها و تحمل سختیها و سکونت در وادی غیر ذی ذبح و ساختن بیت و فدیه اسمعیل مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام آوران سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار میکنند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی «انسی بری، مما نشرکون» ابلاغ مینمایند که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم اصلاً در زمان معاصر، بت و بت پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید و مدرن را در شکلها و افسونها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه ای که بنخانه هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده اند خبر نداشته باشد.

### فریاد برائت پابرهنه ها و محرومین جهان

امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران فریاد از ستمگران و فریاد امنی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در راس آنان آمریکا و اذتاب آن به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه اش به غارت رفته است.

فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم کشیده افغانستان است و من متاسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد.

بازها گفته ام و اکنون نیز تذکر میدهم که ملت افغانستان را به حال خود رها کنید مردم افغانستان سرنوشت خودشان را تعیین نموده و استقلال واقعی خود را تضمین میکنند و به ولایت کرملین یا قومیت آمریکا احتیاجی ندارند و مسلماً بعد از خروج نظامیان بیگانه از کشورشان به سلطه دیگری گردن نمی نهند و پای آمریکا را اگر قصد دخالت و تجاوز در کشورشان کرده باشد می شکنند. و نیز فریاد برائت ما فریاد مردم مسلمان افریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ما که بچرم سیاه بودن، نازیانه ستم سه روزان بی فرهنگ نژادپرست را میخورند، فریاد برائت ما فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملتها و کشورهای دیگری است که ابرقدرتهای شرق و غرب خصوصاً آمریکا و اسرائیل با آنان چشم طمع دوخته اند و سرمایه آنان را بغارت برده اند و نوکران و سرسپردگان خود را با آنان تحمیل نموده اند و از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمینهای آنان چنگ انداخته اند و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده اند.

فریاد برائت ما فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده اند و نمیخواهند صدای خشم و نعرتهای برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بمانند و اراده کرده اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمانند و فریادگر نسلها باشند.

فریاد برائت ما فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروتها و سرمایه ها، فریاد دردمندان ملتهائی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است، فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهی دستی گرسنگان و





دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم و یکه و تنها بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم شرک و جهان اسلام این پابره‌نه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت خویشتن اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد. امام خمینی

دنیاخواران از امکانات آنان در جهت منافع خود و ضربه زدن بکشورهای اسلامی استفاده کنند که این بزرگترین ننگ و عار کشورها و سران ممالک اسلامی است که بیگانگان بمرکز سری و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند. مسلمانان از هیاهو و طبلهای توخالی تبلیغات ظالمانه نهراسند که کاخها و قدرت‌های نظامی و سیاسی استکبار جهان همانند لانه عنکبوت، ست و در حال فرو ریختن است.

مسلمانان جهان باید بفکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروخته بعضی کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب گرانی که هم خودشان و هم منافع ملت‌های اسلامی را بباد فنا میدهد بیدار نمایند و به این سرسپردگان و نوکران هشدار بدهند و خودشان هم با بصیرت کامل از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند و دست روی دست نگذارند و نظاره گر صحنه شکست اسلام و غارت سرمایه‌ها و منابع و نوامیس مسلمین نباشند.

ملتهای مسلمان باید بفکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تفرخ خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته‌ای که بنام فلسطین آرمان مردم سرزمینهای غصب شده و مسلمانان این خطه را به تاهی کشیده‌اند بدین اعلام و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره‌ها و رفت و آمدها حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین را خدشه دار کنند که این انقلابی تماشای کم شخصیت و خودفروخته به اسم آزادی قدس به آمریکا و اسرائیل متصل شده‌اند.

### از مبارزه با صهیونیسم دست نخواهیم کشید

عجبا که هر روز از جامعه خونبار غصب فلسطین بیشتر بگذرد سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مماشات با اسرائیل غاصب بیشتر و حتی از تبلیغ و شعار رهائی بیت المقدس هم خبری بگوش نمیرسد و اگر دولت مردم کشوری همانند ایران که خود در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است به پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد میزند او را محکوم میکنند و حتی از اینکه یک روز هم بنام قدس برگزار شود وحشت نموده‌اند. نکند که اینان تصور کرده‌اند که گذشت زمان، سیرت و صورت خیانت‌های اسرائیل و صهیونیسم را دگرگون ساخته است و گرگهای خون آشام صهیونیسم از فکر تجاوز و غصب سرزمینهای ازبیل تا فرات، دست برداشته‌اند.

مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملتهای اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه کن کردن آن دست نخواهند کشید و بیاری خداوند از فقرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب الله در سراسر جهان، اسرائیل را از گذشته جنایت‌بار خود پشیمان و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از جنگال آنان خارج کرد. من همانگونه که بارها و در سالهای گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار

محرومان و پابره‌نه‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه‌روزی آنان را زرتاندوزان و دزدان بین‌المللی به بغما برده‌اند و حریمخانه از خون دل ملت‌های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمت‌کشان با سرمایه‌داری و سوسیالیسم و کمونیسم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را بخود پیوند داده‌اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده‌اند.

فریاد برائت ما فریاد امنی است که همه کفر و استکبار بمرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمانها و نیزه‌ها بطرف قرآن و عزت عظیم نشانه رفته‌اند و هیبت‌ها که امت محمد (ص) و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان بمرگ ذلت‌بار و به اسارت غرب و شرق تن دردهند و هیبت که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران بحریم قرآن کریم و عزت رسول خدا و امت محمد و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و با نظاره گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد.

من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم.

قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند براه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است ادامه میدهد و بیاری خدا در کنار سبحان جهان اسلام، این پابره‌نه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان‌خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد.

### شعار «نه شرقی و نه غربی» ملاک ابدی انقلاب است

آری، شعار «نه شرقی و نه غربی» ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گریستان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهای است که در آینده نزدیک و بیاری خدا اسلام را بعنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نه باید وابسته به غرب و اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند که انشاء الله بخدا و رسول خدا و امام زمان وابسته‌اند و بطور قطع و یقین پشت کردن به این سیاست بین‌المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا و ائمه هدی است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است، چرا که شرط ورود به صراط نعمت حق، برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. مسلمانان بعد از شرکت در راهپیمائی برائت و اعلان همبستگی با ملت دلاور ایران باید بفکر رومی استعمار از کشورها و سرزمینهای اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود ابلیس و بر جیدن پایگاههای نظامی شرق و غرب از کشورهای خود تلاش بنمایند و نگذارند



داده ام، مجدداً خطر فراگیری غدهٔ چرکین و سرطانی صهیونیسم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد میکنم و حمایت بی دریغ دولت و مسئولین ایران را از تمامی مبارزات اسلامی ملت‌ها و جوانان غیور و مسلمان در راه آزادی قدس اعلامی نمایم و از جوانان عزیز لبنان که موجب سرافرازی امت اسلام و خواری و ذلت جهان خواران گردیده اند تشکر میکنم و برای موفقیت همهٔ عزیزانی که در داخل سرزمینهای اشغالی و یا در کنار این کشور غصب شده با تکیه بر سلاح ایمان و جهاد به اسرائیل و منافع آن ضربه میزنند دعا میکنم و اطمینان میدهم که ملت ایران شما را تنها نخواهد گذاشت.

بخدا توکل کنید و از قدرت معنوی مسلمانان بهره بجوئید و با سلاح تقوی و جهاد و صبر و مقاومت بر دشمنان حمله ببرید که «ان نصرنا والله بنصرکم و یشد اقدامکم».

۲- از آنجا که جنگ در رأس امور و برنامه‌های کشور ماست، جهان خواران در آستانهٔ پیروزی قاطع ملت ایران بر نظام پوسیده و روپزوال عطفیان تلاش گسترده‌ای را در جهت مشوّه ساختن افکار عمومی جهانیان بکار گرفته‌اند تا بعد از آن همهٔ تجاوزات و جنایات صدامیان و سکوت مجامع بین‌المللی، ما را جنگ طلب معرفی نمایند و چه بسا با این حربه جدید افراد ناآگاهی را تحت تأثیر قرار داده باشند.

لازم است برای روشن شدن افکار عمومی ملت‌های درینند و خصوصاً زائران محترم نکاتی را یادآور شوم.

دنيا از آغاز جنگ تا کنون در تمام مراحل دفاعی ما هیچگاه با زبان عدالت و بی طرفی با ما سخن نگفته است. آن روزی که صدام و حزب بعث از روی غرور و بی خردی به منظور ساقط نمودن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کشور عزیزمان ایران حمله نمود و قراردادهای بین‌المللی را پاره کرد و شخصاً تجاوزات هوایی و دریایی و زمینی ارتش را رهبری می‌نمود و نه تنها خانه‌های یک شهر و روستا که مراکز دهها شهر و صدها روستا را با خاک یکسان می‌کرد و کودکان معصوم ملت ما را در آغوش مادرانشان به شهادت می‌رساند، و تجاوزات وحشی گری‌ها را تا آنجا ادامه داد که قلم از نوشتن و زبان از بیان آن شرم می‌کند.

### جرم ملت ما چیست؟

و نیز در آن روزی که صدام اولین جرفه و شعله‌های آتش جنگ را در بحرین امنیت همه کشورهای اسلامی و خلیج فارس برافروخت، هیچکس از این مدعیان صلح، جلوی آتش افروزی او را نگرفت و از امکانات و آهرمهای فشار و قراردادهای خود در جهت کنترل و مهار او بهره‌ن جست و به دفاع از ملت مظلوم و ستم دیده ایران و عراق برخاست و به صدام این آغازکننده جنگ نگفت که بکدام گناه و به چه جرمی ملت ایران باید کشته شوند و به کدام گناه میلیون‌ها زن و مرد و پیر و جوان آواره شوند و با خانه و کاشانه‌شان ویران گردد و به کدام جرم و گناه حاصل زحمات دهها پاله تلاش و سرمایه گذاری یک ملت در صنایع و کارخانجات و مزارع و کشتزارها سوخته و برباد برود؟ آیا جرم ما ایرانی بودن ماست؟ جرم ما فارسی بودن ماست؟ جرم ما اختلافات و تنازعات گذشته مرزی ما است؟

خیر، چنین نیست. امروز همه می‌دانند جرم واقعی ما از دید جهان خواران و متجاوزان دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت جمهوری اسلامی به

جای نظام طاغوت ستم‌شاهی است. جرم و گناه ما احیاء سنت پیامبر و عمل بدستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلان جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم آفریقا و لغو قراردادهای بردگی رژیم کثیف پهلوی با آمریکای جهان خوار بوده است و نزد جهان خواران و نوکران بی اراده آنان چه گناهی بالاتر از این که کسی از اسلام و حاکمیت آن سخنی بگوید و مسلمانان را به عزت و استقلال و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان دعوت کند. ما به این نکته نه فقط در جنگ تحمیلی که از روز نخست شروع مبارزه و از پاتزده خرداد تا بیست و دوم بهمن رسیده‌ایم و بخوبی دریافته‌ایم که برای هدفی بزرگ و آرمانی اسلامی الهی باید بهای سنگینی پرداخت نمائیم و شهداء گرانقدری را تقدیم کنیم. و جهان خواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت و با استفاده از ابیادی داخلی و خارجیشان به ما شیخون زده و خون عزیزان ما را بر بستر کوجه‌ها و خیابانها و مرزهایمان جاری میکنند و همین گونه شد.

### فریاد اسلام خواهی مردم در ۱۵ خرداد

وقتی که فریاد اسلام خواهی مردم کشور ما در پاتزده خرداد بگوش آمریکا رسید و وقتی که برای اولین بار غرور آمریکا و اقتدار ابرقدرتی او در اعتراض به مصونیت کارگزارانش در ایران شکسته شد و آمریکا متوجه اقتدار و رهبری علماء و روحانیت اسلام و عزم جزم و اراده بولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکر بی اراده و وطن فروش و فرمایه خود محمدرضا خان دستور داد که صدای اسلام خواهی ملت ما را خاموش کند و از او بیمان گرفت تا همه افرادی که در برابر آمریکا قد علم کرده‌اند را نابود کند و همه دیدیم که این خائشان و سرسپردگان در این مأموریت شوم لحظه‌ای درنگ ننمودند و بنام مأموریت و آزادی و رسیدن به دروازه تمدن بزرگ از کشته‌های این ملت پشته‌ها ساختند و در و دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوجه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب، با خون عزیزان و جوانان تکبیرگوی پیرو خدا و رسول خدا رنگین کردند و در شرایطی که جلاخان رژیم ستم‌شاهی پروبال و برگ و شاخه شجره طیبیه آزادی را می‌شکستند، همه جهان‌خواران در یک اقدام هماهنگ تبلیغاتی و بین‌المللی شاه را متهمند و مترقی و آزادی طلب و مسلمانان را مرتجع و خواسته‌های اسلامی آنان را ارتجاع سیاه معرفی کردند و در ادامه همان سیاست سرکوب بود که در کریمای خون‌ریز ایران جنایات بزیدها را دهها بار در عاشوراها و تاسوعاها تکرار نمودند و مملکت ما را به جزیره آرام و ثبات آمریکا و به قبرستان و خرابه این ملت مبدل ساختند که من در روز ورود به کشور عزیز ایران در بهشت زهرا گفتم که شاه مملکت ما را ویران و قبرستانهای آنرا آباد نمود و الان نیز همان سخن را تکرار میکنم که شاه کشور ما را ویران و قبرستانها را آباد کرد، ولی شاه که بود و بدستور چه کسی عمل میکرد که اگر او به تنهایی و به فکر فاسد و تبهکار خود عمل میکرد، چه بسا قضایا بعد از رفتن او خاتمه می‌یافت، ولی چه کسی است که ندانده شاه نوکر و مأمور آمریکا و تمامی شهیدان و عزیزان ما خون‌بها و قربانیانی بودند که به خاطر آزادی از ایران گرفته شد و کار او مأموریتی بوده است که برای اربابان خود به انجام رسانید و تا توانست انتقام آمریکا را از اسلام و مسلمین گرفت، ولی کارگزار



## بهرحال اصرار ما در ادامه نبرد تا رفتن صدام و حزب کثیف عراق و رسیدن بشرائط برحق و عادلانه دیگرمان یک تکلیف شرعی و واجب الهی است که از آن هرگز تخلف نمی‌کنیم.

امام خمینی



با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت می‌نشاند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلبیدی جهان را فتح خواهد کرد. ملت شریف ایران توجه داشته باشید که کاری که شما مردان و زنان انجام داده‌اید، آفتاب گران‌بها و برقیقت است که اگر صدها بار ایران با خاک یکسان شود و دوباره با فکر و تلاش فرزندان عزیز شما ساخته گردد، نه تنها ضرری نکرده‌اید که سود زیستن در کنار اولیاء الله را برده‌اید و در جهان، ابدی شده‌اید و دنیا بر شما رشک خواهد برد خوشا به حالتان.

### اعلان نبرد با جهان‌خواران و مستکبران

من به تمام جهان با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست. با همه آزاد می‌شویم و با به آزادی بزرگتری که شهادت است میرسیم و همانگونه که در تنهایی و غربت وبدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمانها و تشکیلات جهانی با انقلاب را به پیروزی رساندیم و همانگونه که در جنگ نیز مظلومانانه‌تر از انقلاب جنگیدیم وبدون کمک حتی یک کشور خارجی، متجاوزان را شکست دادیم، یاری خدا باقیمانده راه پریش و فرار را با انکاء بعداً تنها خواهیم پیمود و بوظیفه خویش عمل خواهیم کرد. با دست بکندبگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می‌فشاریم و با همه بحیات ابدی و شهادت رومی‌آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم، ولی در هر دو حال پیروزی و موفقیت با ماست و دعا را هم فراموش نمی‌کنیم. خداوند بر ما منت بیه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فروریختن کاخهای ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان و همه ملتها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما.

### صدای ناآشنای صلح طلبی از کام ستمگران و جنگ افروزان

حال با این مقدمه‌ها فضاوت در جنگ با خود مسلمانان است که تعقل و اندیشه کنند که ما در مسیر چه هدف و آرمانی مورد تهاجم قرار گرفته‌ایم و شهیدان گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم کرده‌ایم و صدام بلبید چه نیاتی از تهاجم خود در سر برورانده است و دنیائیز به چه انگیزه‌ای بحمايت ضمنی و غلنی از او برخاسته است و تا امروز هم متجاوزین در تنگای تسلیحاتی و امکانات نظامی و اقتصادی و سیاسی نبوده‌اند و دنیا هر روز به بهانه‌ای آنان را به بهترین و مدبرترین سلاح‌ها مسلح نموده است، ولی از دادن امکاناتی که حق مسلم ملت ماست و حتی پول آنها را گرفته‌اند خودداری نموده است ولی با تمام این احوال ما افتخار می‌کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر فقط با تکیه بر سلاح ایمان و توکل بر خدای بزرگ و دعای بقیة الله عجل الله تعالی فرجه و

اصلی ماجرا یعنی خود آمریکا در پشت صحنه باقی مانده بود. آمریکایی که از اسلام راستین می‌ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل واهمه داشت. آمریکا به تصور اینکه ملی گراها و منافقین و دیگر وابستگان چپ و راست او بزودی پاشنه سیاست انقلاب و حاکمیت نظام و اداره کشور را به نفع او به حرکت در می‌آورند، چند روزی سیاست خوف و رجاء را در پیش گرفت و به طرح اجرای کودتا و اعمال سیاست فشار و تروریج چهره‌های وابسته خود و نیز به ترور شخصیت انقلاب و انقلابیون واقعی کشور پرداخت که خداوند مجدداً بر ما منت نهاد و در صحنه حساس تسخیر لانه جاسوسان، مردم ایران برآنت مجدد خویش را از آمریکا و اذتاب آن اعلام نمودند که دوباره آمریکا همان تیغی که بدست محمد رضا خان سپرده بود در کف صدام این رنگی مست نهاد.

### صدام چه کرد؟

صدام چه کرد؟ آیا صدام همان کاری را که شاه قبل از انقلاب انجام داده بود انجام نداد؟ شاه قبرستان‌های ما را از سروهای بلند آزادی پر نساخت؟ آیا صدام که از قدرت برتر و مانور بیشتری برخوردار بود، غیر از این کرد؟ آیا شاه کشورمان را به آمریکا فروخته بود؟ آیا صدام برای فروختن ایران به آمریکا به صورت دیگری عمل نکرد؟ گفتیم که خرابی‌های شاه را اگر مهلت‌مان دهند با تلاش همه دست اندرکاران و ملت شریف در بیست سال هم نمی‌توانیم آباد کنیم. آیا خرابیهای صدام را می‌شود در کمتر از بیست سال آباد نمود؟ مردم شریف ایران و مسلمانان و آزادی خواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گرایش به چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابرقدرتی روی پای خویش بایستند، باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را بپردازند. تجربه انقلاب اسلامی در ایران با خون بهای هزاران شهید و مجروح و غراب شدن منزلها و به آتش کشیده شدن خرمن‌های کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در میب گذاری‌ها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام بدست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی بدست آمده است.

ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب بدست آورده است و با فداکاری‌ها و مجاهدات انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است و ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه مبارزه با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های در سست نیست روشن‌فکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پرفراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بیسایند و تمام آزادی خواهان باید با روشن بینی و روشن‌گری راه سبلی زدن برگونه ابرقدرتها و قدرتها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سبلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترمیم کنند. من



اعتماد به نفس و همت دلاورمردان و شیرزنان صحنه کارزار به پربوئی رسیده ایم، و خدا را سپاس میگذاریم که منت هیچ قدرت و کشور و ابرقدرتی در جنگ برگردد ما نیست و مردم کار آزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا بیکه و تنها و مظلومانه بر مشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز نسلیحاتی کشورمان فائق آمده اند و علاوه بر موفقیت‌های اعجاز گونه ای که در صحنه های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر راه بدست آورده اند، به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه اندازی کارخانجات و دگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع دهها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آنهم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچگونه کمک خارجی دست یافته اند و هم اکنون که به مرز پربوئی مطلق رسیده ایم و قدم های آخرمان را برمی داریم، صدای ناآشنای صلح طلبی آن هم از کام سنگران و جنگ افروزان بگوش می رسد و در جهان غوغا براه انداخته اند و عزا و ماتم صلح طلبی بر پا نموده اند و مدافع آزادی و امنیت انسان ها شده و برای خون جوانان و سرمایه های مادی و معنوی دو کشور ایران و عراق مرثیه سرایی می کنند. راستی چه شده است که استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا اینقدر طرفدار ملت‌ها شده است و جنگ افروزان و آتش بیاران معرکه ها و جلادان قرن به شرف انسانیت و همزیستی مسالمت آمیز اعتقاد پیدا کرده اند و از عطش سیراب ناشدنی و خصلت خونخواری خود که طبیعت فرهنگ سرمایه داری و کمونیسم است منصرف شده اند و شمشیرها و خنجرها و قداره های فروخته در قلب و جگر ملت‌ها را به غلاف کشیده اند.

آیا این حقیقت است یا فریب و آبا این همان جلوه های دیگر شیخون‌ها و بی انصافی‌هایی نیست که روزی سکوت را مصلحت خویش می دید و امروز صلح طلبی را آبا براستی از این طریق جهان خواران نمی خواهند از ضربه آخر ما جلوگیری کنند و برای حفظ منافع خودشان سیاست جنگ و صلح جهانی را به تصمیمات و فکرها پیوسته و شیفتانی خود گره بزنند و عملاً جان و مال و مملکت و امنیت ملل عالم را بقبضه قدرت خود در آورند که بطور قطع و یقین علت و فلسفه سماجت و اصرار جهان خواران در تحمیل صلح بر ملت ایران نشأت گرفته از همین تفکر است و از همه اینها که بگذریم این مسئله که چه کسی خواهان صلح واقعی و چه کسی جنگ طلب است، خود اول بحث ماست.

## چرا صدام صلح طلب شده است؟

آیا واقعاً صدام از گذشته ها و کرده ها و تجاوزات و ظلم ها و ستمهای خود پشیمان شده است و اظهار ندامت می کند و از خیانتی که به ملت‌ها و کشورهای اسلامی و در جهت تضعیف بنیه دفاعی ملل اسلامی نموده است عذر تقصیر می خواهد؟ آیا صلح طلبی صدام از روی دل سوزی و توبه و آگاهی اوست و اصلاً با این همه جنایت‌ها و غارتگری‌ها برای صدام وجدان و شعور و عاطفه ای می توان تصور کرد؟ یا اینکه این افعی زخم خورده به خاطر استیصال و درماندگی خود به طناب صلح طلبی چسبیده است و عجباً که بعض مدعیان عقل و سیاست و دوراندیشی چگونه طرح می دهند و با تحریف آیات کتاب خدا و استاد به سنت پیامبر عزیز و کرامت مسلمین را دگرگون و مردم ما را از شرافت جهاد برحذر می دارند که خداوند را سپاس می گذاریم که به ملت ایران آگاهی و رشد مرحمت فرموده است که نه تنها تحت تاثیر این القانات نرفته و نمی رود، بلکه این موضع گیری های ناشایسته و بچگانه را دلیل کمبود و

ضعف مبانی فکری و عقیدتی صاحبان این تحلیل‌ها دانسته و به آنان لبخند تمسخر می زند. کدام انسان عاقلی است که با وجود همه شرایط مناسب و مقدمات لازم و فدا کردن هزاران قربانی بزرگ از نبرد با دشمن روبرو احتضار مکتب و جامعه و کشور خود چشم پوشی نموده و به او مهلت و توان دوباره دهد تا در موقع مناسب به کشور ما حمله کند؟ آیا ریاست چندروزه دنیا ارزش این همه خفت و زبونی را دارد؟ دنیا در شروع تجاوز ما پیشنهاد می نمود که برای جلوگیری از تهاجم بیشتر به کشورهای حاکمیت و خواسته های صدام را بپذیرید و به زورگویی صدامیان گردن نهید و امروز هم در راستای همان سیاستها و در زیر فشار مناطق مسکونی و حمله شیمیایی و حمله به نفتکشها و هواپیماهای غیر نظامی و قطارهای مسافربری، بزبان دیگری ما را به پذیرش حکومت زور و تجاوز صدامیان دعوت می کند و این را دیگر همه آگاهان جهان درک کرده اند که نه تنها صدام از خلق و خوی سعیت و درندگی ذره ای عدول نموده است که متأسفانه با حمایت جهان خواران و با سکوت سازمان‌ها و مراکز بین المللی به گرگ زخم برداشته ای بدل شده است و می رود تا شعله های آتش و جنگ را در کشورهای منطقه و خصوصاً خلیج فارس برافروزد.

## هشدار به سران کشورهای خلیج فارس و ابرقدرتها

و من با وجود چنین شرایطی به همه سران کشورهای خلیج فارس و همه ابرقدرت‌های شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی هشدار می دهم و آنان را از دخالت و مداخله جویی و تصمیمات عجولانه برحذر می دارم و به ملت آمریکا از اینکه عشان عقل و اراده خویش را در مهم ترین مسائل سیاسی و بین المللی و نظامی بدست افرادی چون ریگان بسپارد نصیحت می کنم، چرا که ریگان در کارها و خصوصاً در مسائل سیاسی و تصمیم گیری‌ها ناتوان شده است و به کمک غفلا و اندیشمندان نیازمند شده است که مردم آمریکا را بفرستد سقوط نکشاند. من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می کنم که به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی و اقتصادی بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل بدامن آمریکا ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگ‌ها و درنده ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید.

ابرقدرت‌ها آن لحظه ای که منافعشان اقتضای کند، شما و قدیمی ترین و قاداتاران و دوستان خود را قربانی می کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و جدافت ارزش و مفهومی ندارد، آنان منافع خود را ملاک قرار داده اند و به ضراحت و در همه جا از آن سخن می گویند. چه خوبست که بعض سران سرسپرده کشورهای اسلامی به اربابان و خدایان زور و زور و تزویر خود این نکته را جدی گوشزد کنند که اینقدر از منافع خود در خلیج فارس سخن نگویند. برای اینکه همین مسئله موجب حساسیت شدید مردم منطقه است که آمریکا و فرانسه و انگلیس چه منافعی در آبهای خلیج فارس دارند که تا پای دخالت نظامی و جنگ هم می خواهند آنرا حفظ کنند. البته سیاست ما در مورد خلیج فارس از اول تا کنون صریح و روشن بوده است. جمهوری اسلامی ایران به امنیت در خلیج فارس اهمیت زیادی می دهد و به همین دلیل و علی رغم فراهم بودن همه نوع امکانات دریائی و هوائی و زمینی در بستن تنگه هرمز و صدعه وارد کردن به کشتیها و نفت کشها و منافع و مراکز صدور نفت و پالایشگاهها و بنادر منطقه تا بحال از سیاست صبر و انتظار و جلوگیری از گسترش جنگ پیروی نموده است و فقط در حد نشان دادن مقدار کمی از قدرت و حضور و توانائی خود و مقابله بمثل وارد عمل گردیده است و همه دنیا به این حقیقت رسیده



من به تمام جهان با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان خواران  
 بخواهند در مقابل دین ما بایستند ما در مقابل همه دنیای آنها خواهیم  
 ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست یا همه آزاد  
 می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم. امام خمینی



### ادامه نبرد تا سقوط صدام یک تکلیف شرعی است

بهر حال اصرار ما در ادامه نبرد تا رفتن صدام و حزب کتیف عراق و رسیدن  
 بشرایط برحق و عادلانه دیگرمان یک تکلیف شرعی و واجب الهی است که از  
 آن هرگز تخطی نمی‌کنیم که انشاء الله با تحقق آن در کنار کشورهای اسلامی  
 سیاستی محکم و بنیادین برای همه کشورها و ملت‌های اسلامی پایه ریزی شده  
 است و در پرتو آن منافع مردم از آفت و خطر مهاجمین و متجاسرین محفوظ  
 خواهد ماند و همه کسانی که بفکر تجاوز بحرم کشورهای اسلامی افتاده‌اند  
 از سرنوشت صدامیان عبرت بگیرند و خودشان را به خشم و غضب ملتها گرفتار  
 نخواهند ساخت. امروز بدون شک سرنوشت همه امتها و کشورهای اسلامی به  
 سرنوشت ما در جنگ گره خورده است. جمهوری اسلامی ایران در مرحله ایست  
 که پیروزی آن بحساب پیروزی همه مسلمانان و خدای نخواست شکست آن  
 بناگامی و شکست و تحقیر همه مومنان می‌انجامد و رها کردن یک ملت و یک  
 کشور و یک مکتب بزرگ در نیمه راه پیروزی خیانت به آرمان بشریت و رسول  
 خداست. لذا تب جنگ در کشور ما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست و  
 انشاء الله تا رسیدن باین هدف فاصله چندانی نمانده است و خدا را سپاس  
 می‌گذاریم که ملت و دولت و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای مردمی و  
 همه افشار دلاور کشورمان در آمادگی کامل بسر می‌برند و همه اهل جنگ و  
 هنر آفرینان مدرسه عشق و شهادتند و بخوبی از پس نوطه‌های استکبار و ابادی  
 جاسوس و منافق آنان برآمده‌اند و می‌روند که یاری خداوند بزرگ آخرین معابر  
 پیروزی را باز کنند و علاوه بر حضور برتر خود در خلیج فارس و جزایر و سواحل و  
 مناطق غرب و جنوب، هم اکنون نیز به سازماندهی و بسیج و تشکل مردم  
 ستمدیده عراق پرداخته‌اند که این از مهم‌ترین خواسته‌ها و هدف‌های ما بوده  
 است، چرا که از اول جنگ بصراحت اعلام کرده‌ایم که ایران حتی یک  
 وجب از خاک عراق چشم ندوخته است و مردم عراق در تصمیم‌گیری‌ها و  
 انتخاب حکومت خود آزادند و چه بهتر آنکه قبل از سقوط حاکمیت مطلق بعث  
 عراق بدست رژیم‌گان دلاور اسلام در جبهه‌های نبرد، حکومت دلخواه و مورد  
 نظر خود را انتخاب کنند که بحمد الله طلیعه این حرکت بزرگ آشکار شده  
 است و همه ابرقدرتها و حامیان رژیم روبروال بعث مطمئن باشند که بین المللی  
 کردن درگیری‌ها در جنگ و ایجاد جو فشار و جریانات ساختگی سیاسی  
 تبلیغاتی و دیپلماسی علیه جمهوری اسلامی ایران در جهان و دخالت‌های نظامی و  
 غیر نظامی در خلیج فارس و بزرگ نمایی مشکلات و اختلاف تراشی و ارائه  
 تحلیل‌های کور و بی‌ثمر، ما را از هدف سرنگونی صدام و حزب بعث عراق و  
 تنبیه متجاوزان نخواهد داشت و به لطف خدا تمامی فشارها و محاصره‌های  
 جهانی را برای نیل به این هدف بزرگ تحمل می‌کنیم و از جنگ کردن در راه  
 خدا خسته نمی‌شویم و این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار برام  
 بلند شهادت و ایثار ایستاده است و هر روز نشاط و تحرک و فریاد او برای ادامه  
 راه بیشتر می‌شود.

است که ناامنی در خلیج فارس فقط بضرر ایران تمام نمی‌شود، بلکه قوی‌ترین  
 قدرتها و ابرقدرتها هم اگر مثل آمریکا تمامی امکانات هوایی و دریایی و  
 جاسوسی و خبری خود و هم پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند که حتی یک  
 کشتی را بدون خطر اسکورت و حفاظت نمایند، از این خطر و ضرر مصون  
 نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق میشوند. و علیرغم آنهمه مقدمات و  
 تمهیدات و جوار و جنگ‌آلهائی که در جهان، آمریکا برپا نموده است و دهها  
 خبرنگار و فیلمبردار را به منطقه گسیل داشته‌اند تا خبر موفقیت نقشه‌های شوم  
 آمریکا را مخابره کنند، خداوند زمینه رسوائی و زبونی آمریکا را بدست غیب  
 خود فراهم می‌آورد و اقتدار معنوی پرچم لا اله الا الله را بر پرچم کفر بنمایش  
 می‌گذارد و دل بندگان خالص خویش را شادمان می‌سازد و چه بهتر که آمریکا و  
 رنگان از مسیر سیاست مین‌گذاری شده خلیج فارس که کوس رسوائی آنان را  
 در جهان بصدا در آورده است مجدداً عبور نکند و بر مرکب غرور و جهلی که  
 تا بحال دهها بار صاحب خود را بر زمین کوبانیده است، سوار نشود و لاف شبح  
 قدرت و قدرت نمائی خود را پیش نوکرانی مثل کویت حفظ کند و بیش از این  
 آنان را از شکست و غمت خود شرمسار و سرافکننده نسازد، و مطمئن باشند که  
 ادامه جولان در خلیج فارس منطقه را بکانون خطر و بحران ناخواسته علیه خود  
 آنان سوق میدهد و دنیا اگر خودش را آماده بحران نفت و بهم خوردن همه  
 معادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است، ما هم آماده‌ایم و کمر بندها  
 را محکم بسته‌ایم و همه چیز برای عملیات آماده است و حتماً آمریکا باید به این  
 نکته برسد که دخالت نظامی در خلیج فارس صرفاً یک آزمایش نیست که یک  
 دام بزرگ و یک بازی خطرناک است و ما و همه مسلمانان منطقه خلیج فارس  
 حضور نظامی ابرقدرتها را نقشه و مقدمه تهاجم و حمله به ممالک اسلامی و  
 کشور جمهوری اسلامی ایران و در ادامه حمایت از صدام تلقی نمی‌کنیم.  
 مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند  
 تا دندانه‌های آمریکارادرد هانش خرد کنند و نظاره گر شکوفائی گل آزادی و  
 توحید و امامت در جهان نیسی اکرم باشند. البته لازم است این نکته را برای  
 چندمین بار به سران کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس بازگو کنم که القاء  
 شبهه و بزرگ جلوه دادن خطر اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برای  
 کشورهای منطقه همان ترفند قدیم و جدید جهان خواران بوده و هست که از  
 این طریق از پیدایش جو تفاهم و همکاری مسالمت‌آمیز جلوگیری نمایند و  
 احساس نیاز کشورها را به شرق و غرب تشدید کنند. جمهوری اسلامی ایران  
 مایل است بر اساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورها و ملت‌های اسلامی  
 آنان را در مشکلات یاری نماید و در بروز حوادث تحمیلی، سیاسی و نظامی از  
 ناحیه استکبار جهانی با قدرت و نفوذ خود آنها را رفع و در جهت کنترل و نفی  
 سلفه سیاسی شرق و غرب برنامه‌ای دقیق و قوی ارائه دهد، ولی ما مطمئنیم که  
 با وجود صدام و حزب عفتلی عراق این مسئله بکندی پیش می‌رود، چرا که  
 بهمان میزانی که ابرقدرتها از ائتلاف و وحدت ملت‌های اسلامی واهمه دارند،  
 صدام نیز از همکاری ایران با کشورهای اسلامی در هراس است.



## لزوم رعایت مصلحت زجرکشیده‌ها و محرومین

البته ممکن است غرب زده‌ها و بزدلان و همانها که نه در روزهای آغازین در میدان دفاع بوده‌اند و نه تا به امروزه حمایت از حماسه آفرینان و وطن بانان خدمتی کرده‌اند و نه در آینده لیاقت حضور در جند و سربازان خدا را خواهند یافت، برای خوش خدمتی به اربابان و دلگرم نمودن آنان از خستگی و بن بست در جنگ تحمیلی داد سخن دهند و به خیال خام خود افکار را از جنگ منحرف نمایند و احياناً آنها که خارج از مرزها نشسته‌اند باورشان بیاید که مردم و مسئولین ارتش و سپاه و بسیج از جنگ و ادامه آن خسته شده‌اند و یا در میان آنان بر سر جنگ اختلاف افتاده است و حال آنکه بملطف خدا در حاکمیت جمهوری اسلامی ما اختلافی بر سر مواضع اصولی، سیاسی و اعتقادی وجود ندارد و همه مصممند تا توحید ناب را در بین الملل اسلامی پیاده نموده و سر خصم را بسنگ بکوبانند تا در آینده‌ای نه چندان دور به پیروزی اسلام در جهان برسند. الحمد لله این کشور رسول خدا، امروز میلیونها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پروریده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پرنخواهد کرد و بهمین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می‌برند و ممالک ارزش و برتری در نزد آنان تقوی و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعها و خودنمایی‌های جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم یک چنین ملتی میدانم و به این خدمت افتخار میکنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمة للعالمین و خاتم المرسلین میدانم و مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و شناخت و ایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره‌های فضیلت و تقوی دعوت نموده و در این فرصت به همه مسئولان کشورمان تذکر می‌دهم که در تقدم ملاکها هیچ ارزش و ممالکی مهم‌تر از تقوی و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدیق مسئولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود. چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح چه امروز و چه فردا که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی‌کند که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجرکشیده‌ها و جبهه‌رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌ها و در یک کلام مصلحت پابره‌ها و گودشینه‌ها و مستضعفین بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوی و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پستانازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و باید سعی شود تا از راه رسیده‌ها و دین بدینا فروشان، چهره کفرزدایی و فقر ستیزی روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهین بی‌خبر از خدا را بر دامن مسئولین نجسباندند و آنهایی که در خانه‌های مجلل راحت و بی‌درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنجها و مصیبتهای جانفرسای ستون محکم انقلاب و پابره‌ها و محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند، نباید به مسئولیتها کلیدی تکیه کنند که اگر به آنجا راه پیدا کنند، چه بسا انقلاب را یک شبه بفروشند و حاصل همه زحمات ملت را بر باد دهند، چرا که اینها هرگز عمق راه طی شده را ندیده‌اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را بدست از خدا بی‌خبران مشاهده نموده‌اند و از همه زجرها و غربت‌های مبارزان و التهاب و بی‌قراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل بدریای بلا زده‌اند غافل و بی‌خبرند.

۳- روحانیون و مدبران و مسئولین محترم کاروانها و حج با توجه به مسئولیت خطیری که در اداره و توجیه زائران محترم پذیرفته‌اند و با در نظر گرفتن شرایط استثنائی کشور جمهوری اسلامی ایران، باید تمام همت و تلاش خود را در برگزاری صحیح و منظم حج بکار گیرند و با سعه صدر و به دور از هرگونه توقع و منتی زائران محترم بیت الله را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی نمایند و متناسب با حضور قشرهای مختلف اعم از بی‌سواد و باسواد، برای آنان برنامه‌ریزی کنند و از نقش سازنده خود و تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان میگذارد غافل نشوند. چرا که در آن فضا و شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است لذا از اعمال نظرهای شخصی در امور حج و خصوصاً در مسائل و مناسک جداً خودداری شود و مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعه به اشخاص مطلع و یا منابع فقهی آن بیان فرمایند. چرا که در اعمال و مناسک حج مسائل جدید و مورد ابتلاء فراوان است، و خدای ناکرده بیان ناقص و غلط مسائل موجب بطلان عمل و گرفتاری حجاج محترم و عسر و حرج میگردد.

## توصیه مهم به روحانیون

روحانیون عزیز در عین حالی که مسائل را بطور واضح و دقیق بیان میکنند ولی از مشکل تراشی و حالت‌های وسواس گونه‌ای که زائران را در شک و تردید و احتیاط‌های بی‌مورد قرار میدهد خودداری کنند چرا که وسواس در برنامه و مراسم و عبادتها و ادعیه موجب کسالت و بی‌توجهی در واجبات میشود و یکی از فرصتهای بسیار مناسب و مغتنم برای روحانیون ارتباط با صاحب نظران و اندیشمندان و علماء کشورهای اسلامی است هر چند که استیکار جهانی و یا سران بعضی کشورهای اسلامی بشدت از این نوع ملاقاتها و رابطه‌ها بیسناک و از آن جلوگیری و مبراقت می‌نمایند. ولی برنامه‌ریزی سالم و استفاده کردن از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و اندیشه‌ها و پیدا کردن راه حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است و در این فرصت مغتنم روحانیون معظم و مسئولین تبلیغات حج برای انتقال تجارب انقلاب و ارائه خط مشی‌های سیاسی در پرتو احکام قرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم و جامعه نقش کارساز باید ایفاء نمایند.

متأسفانه نه تنها مردم کشورها، بلکه روحانیون ممالک اسلامی اکثراً از کارائی و نقش سازنده و تعیین کننده خود در مسائل روز و سیاستهای بین المللی بی‌خبر هستند و متأثر از القانات و برداشتهای مادی تصور میکنند که در عصر تمدن و تکنیک و صنعت و تحولات علمی و پیشرفتهای مادی نفوذ روحانیت کم شده است.

و نعوذ بالله اسلام از اداره کشورها عاجز مانده است که بحمد الله پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر رهبری روحانیت، خلاف این تصورات را ثابت نمود و علیرغم همه کارشکنیها و سنگ اندازها و توطئه‌های شرق و غرب و حسادت و کینه توزی ابدی آنان توانمندی و اقتدار روحانیت اسلام آشکار گردید که من از تمامی علماء و متفکرین و دانشمندان اسلامی سراسر جهان دعوت میکنم که در فرصتهای مناسب به کشور عزیز اسلامی ایران سفر کنند و در وضع گذشته این مملکت که نظام شاهنشاهی آنرا به مملکتی غرب زده و تهی از ارزشهای اسلامی مبدل ساخته بود و ایران میرفت تا پایگاهی برای اسلام زدائی و محو آثار رسالت گردد و از تاریخ نا فرهنگ و همه مظاهر اسلام نابود شود فکر نمایند





## روحانیت عزیز باید افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محروران را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که نباید گرایش و توجه بی شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بیدریغ آنان را از اسلام فراموش و بدون جواب بگذاریم. امام خمینی

سنگین هدایت و رهبری مردم می‌توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن درآورند و جلوه این همه فساد و استثمار و حقارت مسلمین را بگیرند و از لانه کردن شیاطین کوچک و بزرگ و خصوصاً آمریکا در ممالک اسلامی جلوگیری کنند و بجای نوشتن و گفتن لاطنات و کلمات تفرقه‌انگیز و مدح و نسیب سلاطین جور و بدبین کردن مستضعفان به مسایل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین به تحقیق و نشر احکام نورانی اسلام همت بگذارند و با استفاده از این دریای بیکران ملت‌های اسلامی هم عزت خود را، و هم اعتبار امت محمدی را پایدار نمایند.

آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاست گذاران کرملین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟ علماء بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومت‌های جور یا بکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند. برای حفظ منافع مسلمین سینه را سپر کنند و جلوتهاجم فرهنگ‌های مستذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملت‌ها منتهی شده است بگیرند و به مردم کشورهای خود آتار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو نمایند. و به مردم و به دولتها خطراستعمار و شیطنیت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان کشی در جهان براه انداخته را گوشزد کنند.

من مجدداً تأکید میکنم که دنیا امروز نشئه حقانی و احکام نورانی اسلام است و حجت الهی بر همه علماء و روحانیون تمام گردیده است، چرا که وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سرحد شهادت پیشرفته‌اند و برای بیرون کردن متجاوزان خود را به دریای حوادث و بلازده‌اند و زندانها و شکنجه‌ها را بجان خریده‌اند و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب الله لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده و به جهاد علیه متجاوزان برخاسته‌اند چه حجتی بالا تر از این و چه بهانه‌ای برای سکوت و معاشات و در خانه نشستن و تقیه کردن‌های بی مورد مانده است؟ علماء و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند، کار از کار میگذرد. البته ما درد تنهایی بعضی از علماء و متعهدینی که در شهرها و کشورهایشان در محاصره سرنیزه‌ها و فشار تحلیلهای حکمهای نامشروع علماء سوء و ذریاری گرفتار آمده‌اند احساس میکنیم ولی به همه این عزیزان که در فشار جباران می‌باشند موعظه خدا را یادآور میشوم که «ان تقوموا لله منی و فرادی تم تنفکروا» برای خدا قیام کنید و از تنهایی و غربت نهراسید.

### طرد روحانیون درباری

مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسب‌ترین میدان شکل و بیان

و همچنین به بررسی وضعیت کنونی بپردازند که اساس قوانین و مقررات این کشور را وحی و اسلام معین نموده است و تمامی مظاهر کفر و شرک و معاصی علنی حتی المقدور برچیده شده و غیرمعمول همه نغمه‌های شوم النفاطی‌ها و چپ‌ها و راست‌ها و ملی‌گراها که در روزهای اول پیروزی انقلاب و برای قبضه نمودن قدرت و تفکر ملت ایران از حلقوم آنان برمیخاست خداوند بر ما منت نهاد که توطئه آنان کشف و در تمامی کشورها قوانین و برنامه‌های اسلامی در حال پیاده شدن است و از مبداهای نبرد و کارزار گرفته تا مراکز تحقیقات علمی، دانشگاهها و حوزه‌ها و از مجالس قانون گذاری و تدوین همه مقررات کشوری و لشکری تا قوه مجریه که دست اندرکار حل و فصل بزرگترین مسایل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ و در حال جنگ و محاصره و با جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضائی که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت پارسنگین تأمین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را بعهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی و انتظامی که مسئولیت امنیت مرزها و داخل کشور و خشی نمودن صدها توطئه رنگارنگ بعهده آنان است و باید جلوتخریب و جنایات منافقین و ضدانقلاب و اشاعه فحشاء و منکرات و دزدیها و قتلها و مواد مخدر را بگیرند که همه اینها با رهبری روحانیت متعهد و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله (ص) و پیروی از ائمه هدی علیهم السلام اداره میشود و خدا را سیاسی می‌نیمیم که با تکیه بر آیات وحی و کتاب خدا توانسته ایم کشورمان را از وابستگی‌ها نجات دهیم البته تا پیاده کردن تمامی احکام و مقررات اسلامی و عمل کامل در همه سطوح جامعه راه زیادی در پیش داریم ولی بیاری خداوند همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه میدهم و در عمل به همه غرب زدگان و شرق زدگان و خودباختگانی که از مطرح کردن شعار اسلام و اعتماد به قرآن کرمیوا همه داشته‌اند نشان میدهم که چگونه میتوان جامعه را از سرچشمه‌های معرفت کتاب خدا و هدایت اسلام عزیز سیراب نمود که بحمدالله همه اینها از برکات ورود علماء در مسایل سیاسی و استنباط احکام در مسایل مستحدثه بوده است، که روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفا نموده است و با دخالت در مهم‌ترین مسایل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت و مدیریت روحانیت اسلام را بنمایش بگذارد و انعام حجتی برای همه قائلین به سکوت و سازشکاران بی تعهد و علم فروشان بی عمل باشد و تعجب است که چگونه بسیاری از علماء و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است غافلند و عطش ملت‌ها را درک نمیکند، و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزشهای وحی بی‌خبرند و قدرت و نفوذ معنوی خود را دست کم گرفته‌اند، که در همین شرایط پرزرق و برق حاکمیت علوم و تمدن مادی بر نسل معاصر، علماء و خطباء و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی با وحدت و انسجام و احساس مسئولیت و عمل بوظیفه



مصالح مسلمین میباشند. امروز دولتها و سرسپردگان ابرقدرتها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند و همچون دولت هند مسلمانان بیگناه و بی‌پناه و آزاده را قتل عام میکنند ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیلی مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند و نور عشق و معرفت میلیونها مسلمان را نمیتوانند خاموش کنند، در عین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشانند و حتی علماء اسلام را درملاً عام بدار کنند، خود دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آنان میشود. مگر نه اینست که خداوند از علماء پیمان گرفته است که در برابر ستم مستکبران و ظلم جنایت‌پسگان ساکت و آرام نمانند؟ مگر نه اینست که علماء حجت پیامبران و معصومین بر زمین هستند؟ پس باید علماء و روشنگران و محققان بداد اسلام برسند و اسلام را از غرضی که دامن‌گیرش شده است نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سبادت تعطیلی جهان‌خواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست، چهره‌منور و پرافتخار خود را آشکار سازند و در این راستا، دوچهره‌ها و روحانی‌نماها و دین‌بدنیا فروشان و قیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علماء سوء و تملق‌گویان ظلمه و ستمگران خود را بجای پیشوایان و رهبران معنوی امت‌های اسلامی بر مردم تحمیل کنند. و از منزلت و موقعیت معنوی علماء اسلام سوء استفاده کنند روحانیون منهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علماء مزدور و سوء آخوندهای دنیای متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند چرا که این بی‌خبران هستند که حکومت‌چاژران و ظلم سران وابسته را به توجه، و مظلومین را از استیفاء حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان و آزادبخوانان در راه خدا حکم میدهند، که خداوند همه ملت‌های اسلامی را از شرور و ظلمت این نااهلان و دین‌فروشان نجات دهد.

### مبارزه با فرهنگهای تحمیلی

و یکی از مسائل بسیار مهمی که بعهدہ علماء و فقهاء و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاست‌های اقتصاد سرمایه‌داری و اشتراکی در جامعه است. هر چند که این بلبه دامن‌گیر همه ملت‌های جهان گردیده است و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصادی جهان از آنان سلب شده است و علیرغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصل‌خیز جهان و آب‌ها و دریاها و جنگل‌ها و ذخایر به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند و کمونیستها و زراندوزان و سرمایه‌داران با ایجاد روابط گرم با جهان‌خواران، حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند و با ایجاد مراکز انحصاری و چند ملت‌ی، عملاً نیض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راه‌های صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ‌گذاری و بانکداری را بخود منتهی نموده‌اند، و با القاء تفکرات و تحقیقات خود ساخته به توده‌های محروم باورانده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الا راهی برای ادامه حیات پابره‌ها جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پرخوری و اسراف و تمییش‌ها جان‌شان به لب آید. بهرحال این مصیبتی است که جهان‌خواران بر بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی

بواسطه ضعف مدیریت‌ها و وابستگی به وضعیتی اسف‌بار گرفتار شده‌اند که این به عهده علماء اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح‌ها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابره‌ها را ارائه دهند. و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت بدرآورند.

البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق بدون حاکمیت همه‌جانبه اسلام میسر نیست. و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد ولی ارائه طرح‌ها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهی‌دستی به شمار میرود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری از این جهت بر فقراء ندارند و ابداً اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت مسلم راه شکوفائی و پرورش استعداد‌های خفته و سرکوب شده پابره‌نگان را فراهم می‌کند. و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز بخاطر نمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را بهانه فخر فروشی و مباحات قرار بدهند و به فقراء و مستمندان و زحمت‌کشان افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند. این خود بزرگترین عامل دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کرمه و ارزش‌های منمالی و فرار از تملق‌گوئیها میگردد. و حتی بعضی ثروتمندان را از اینکه تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست منته می‌کند.

خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و قزوق‌تر از آن کسی است که تقوی داشته باشد نه ثروت و مال و قدرت، و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابره‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراد و معاشرت و رفاقت داشته باشند تا متمکین و مرفهین و در کنار مستمندان و پابره‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و فرار دادن افتخار بزرگی است که نصیب اولیاء شده و عملاً به القائات و شبهات متحرفین خاتمه میدهد.

که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است و همچنین مسئولین محترم کشور ایران علیرغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فرزندان جامعه کرده‌اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهی‌دستی در جامعه ما رخت بریند و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور ما از رفاه دزدگی مادی و معنوی برخوردار باشند.

خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن و حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزه است و تا ابد هم باید منزه باشد و این از افتخارات و برکات کشور ما و انقلاب و روحانیت ماست که به حمایت از پابره‌نگان برخاسته‌اند و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده‌اند. از آنجا که محرومیت زدائی عقیده و راه و رسم زندگی ماست، جهان‌خواران در





## مصلحت زجر کشیده‌ها و جبهه رفته‌ها و شهید و اسیر و مجروح داده‌ها و در یک کلام مصلحت پابرنه‌ها و گودنشین‌ها و مستضعفین بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی باید مقدم باشد. امام خمینی

حرکت در مسیر دنیا نیست، که الحمد لله روحانیت منتهی اسلام امتحان زهد گرائی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از این برای خدشه دار کردن چهره این مشعل داران هدایت و نور دست بکار شوند و با کمترین سوزی به اعتبار آنان لطمه وارد سازند، که انشاء الله موفق نمیشوند.

و اما زائران محترم ایرانی که اتصافاً شخصیت و شعور و رشد سیاسی و اجتماعی خود را در مراسم حج سالهای گذشته بنمایش گذارده‌اند و باعث حفظ آبرو و اعتبار جمهوری اسلامی ایران شده‌اند امسال نیز علاوه بر دقت و توجه با اعمال و واجبات حج و استفاده از این نعمت بزرگ تشریف به مکه مکرمه و مدینه منوره و زیارت خانه خدا و مرقد پاک نبی اکرم (ص) و بقیع و تشریف بجوار تربت مطهر حضرت زهرا سلام الله علیها و ائمه معصومین علیهم السلام، در راهپیمائی کوبنده برائت با هماهنگی و انسجام کامل در صفوف و شعارها و برنامه‌ها شرکت نمایند و از برکات این اجتماع مقدس عبادی سیاسی که نشان دهنده اقتدار مسلمین و کشور عزیز و اسلامی ایران است بهره‌مند شوند و با برخورداری اخلاقی و سالم و سازنده در تمامی مراسم حج و خصوصاً در مسیر راهپیمائی با مردم سایر کشورها و با مأمورین کشور عربستان سعودی، آنان را به ضرورت حضور در این اجتماعات دعوت کنند و از هرگونه اعمال سلیقه‌های شخصی و کارهای خودسرانه‌ای که خدای ناکرده موجب هتک احترام این اجتماع عظیم شود خودداری کنند و از درگیری و اهانت و جدال احتراز نمایند. هر چند که زائران محترم با آگاهی کامل نقشه‌ها و توطئه‌ها را خشن می‌کنند ولی چه بسا افرادی بمنظور برهم زدن شکوه و جلوه اجتماعات حج و مخدوش کردن چهره انقلاب به کارهای بدون حساب و خودسرانه‌ای دست بزنند. البته بعید نظر می‌رسد که دولت با مأمورین عربستان که میزبان زائران خانه خدا و حرم پیغمبر اکرم (ص) از این نمایش قدرت اسلام و مسلمین در برابر کفر و ابتکار عمل سیاسی ملت ما که بخاطر سریندگی جهان اسلام و مسلمین می‌باشد جلوگیری کنند. در هر حال زائران ایرانی به نقش و رسالت خود در تمامی مراحل حج توجه کنند که تمامی اعمال و رفتار آنان با دقت مورد توجه و نظر دوستان و دشمنان انقلاب ماست، دشمنان انقلاب در صدد دست یافتن به سوزی و لو مختصر جهت تخریب قدامت و اعتبار الهی مردم کشور ما می‌باشند. و دوستان و طرفداران انقلاب مشتاق آشنائی با روش و سیره و خصوصیات این ملت است که آوازه نام و نشانش بیاری خداوند در سراسر عالم افکنده است گردیده‌اند و حج بهترین مبعاد گاه معارفه ملت‌های اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا میشوند و در آن خانه‌ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است گرد هم می‌آیند و با کنار گذاردن تشخص‌ها و رنگها و ملیت‌ها و نزادها بر زمین و خانه اولین خود رجعت می‌کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و اجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورزمانی شکل امت محمدی را در سراسر جهان بنمایش می‌گذارند.

این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند. و برای ناتوان ساختن دولت و دست اندرکاران کشور ما حلقه‌های محاصره را تنگتر کرده‌اند. و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی و اقتصادی ظاهر ساخته‌اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند. از گرایش و روح اقتصاد اسلام بطرف حمایت از پابرنه‌ها در هر اسد و مسلم هر قدر کشور ما بطرف فقرزدائی و دفاع از محرومان حرکت کند امید جهان خواران از ما منقطع و گرایش ملت‌های جهان به اسلام زیادتر می‌شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند، و افتخار تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی‌شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت پدیدار آنرا از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم، البته پرواضح است که همه افشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه‌ها شده‌اند و مقصد خداست و هرگز آمل بلند و الهی خود را بمسائل مادی آلوده نمیکنند، و با کمبودها از میدان بدر نمیروند، چرا که کسی که برای خدا جان و مال فدا میکند بخاطر شکم و دنیا از یاد نمی‌آید ولی وظیفه ما و همه دست اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریک باشیم. که گمان نمیکنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد.

### پابرنه‌ها و محرومین امتحان خود را داده‌اند.

راستی وقتی که پابرنه‌ها و گودنشینان و طبقات کم درآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سرحد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده‌اند و در همه صحنه‌ها بوده‌اند و انشاء الله خواهند بود و سروجان در راه خدا میدهند چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم. من مجدداً میگویم که یک موی سر این کویخ نشینان و شهید دادگان به همه کاخ و کاخ تشینان جهان شرف و برتری دارد.

و آخرین نکته‌ای که در اینجا ضمن تشکر از علماء و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسگه ساده زیستی و زهد گرائی علماء و روحانیت منتهی است که من متواضعانه و بعنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود میخواهم که در زمانی که خداوند بر علماء و روحانیون منت نهاده است و اداره یک کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیاء را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دهن شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است پرهیز کنند. و بر حذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و



زائران محترم کشور ایران ارزش دستاوردهای معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را دربرخورد با سایر مسلمانان بهتر درک می‌کنند و باتوجه و اطلاع از گرفتاریها و مشکلاتی که باشکال مختلف بر ملت‌های اسلامی تحمیل شده است بایعاد عظمت انقلاب و عنایات خاصه حق تعالی و توجه امام زمان ارواحنا فداه به این ملت، بیشتری می‌برند، و قدربرکات این انقلاب را بیشتر از گذشته میدانند، و از کار و تلاش مسئولین محترم و دولت خدستگزار که شب و روز خود را وقف خدمت نموده‌اند مطلع میگرددند و از تحولی که در جوانان و افشار دیگر ملت بوجود آمده است و آنان را به بهشت صلابت و عفت و حیا و شرافت و آزادی و جهاد رهنمون شده‌اند خدا را سپاس می‌گذارند.

خداوندا این نعمتهای بزرگ را از ما و ملت ما نگیر.

خداوندا ما را به ارزش برکات خود بیشتر آشنا فرما.

خداوندا بر بندگی ما و خلوص ما و اظهار عجز و ذلت ما در برابر خودت پافزا.

خداوندا بما توکل و صبر و مقاومت و رضا و توفیق جلب عنایت خود کرامت فرما.

و در مسیر خدمت به بندگانت ما را تا مرز قربانی خود و فرزندان و هشیمان همراهی و مدد بنما.

زائران محترم مبدا که از احساس رشد و عظمت انقلاب خود در برابر مسلمانان دیگر کشورها بغرور و عجب گرفتار شوند و خدای نخواست به اعمال و رفتار مسلمانان بلنبده اهانت و تحقیر بنگرند و از هم دلی و اتس یا دوستان خدا در مکه مکرمه محروم شوند. و از شکر این نعم بزرگ الهی که تواضع در برابر مسلمانان و مستضعفان و برادران دینی است غافل بمانند. در کنار خانه خدا و مرقه پیامبر اکرم (ص) بیعت‌ها و پیوندهای دوستی و ارتباط آینده را با مسلمانان محکم کنید و حدیث انقلاب و لطف خدا را به آنان بازگو نمائید و از جانب من و همه ملت ایران به همه مسلمانان اطمینان بدهید که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان شما و حامی مبارزات و برنامه‌های اسلامی شماست و در هر سنگری علیه منجاوزان در کنار شما ایستاده است، و از حقوق گذشته و امروز و آینده شما انشاء الله دفاع خواهد کرد. و با آنان بگوئید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به ملت‌های اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملت‌های تحت ستم است و ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی میشکنیم. و با صدور انقلابیان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی است به سبطه و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه میدهم و یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق امام زمان ارواحنا فداه هموار میکنیم.

و از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند. اینکه مکه معظمه و مشاهده مشرفه آینه حوادث بزرگ نهضت انبیاء اسلام و رسالت پیامبر اکرم (ص) است. جای جای این سرزمین محل نزول و اجلال انبیاء بزرگ و جبرئیل امین و یادآور رنجها و مصیبت‌های چندین ساله‌ایست که پیامبر اکرم (ص) در راه اسلام و بشریت متحمل شده‌اند و حضور در این مشاهده مشرفه و امکنه مقدسه و در نظر گرفتن شرایط سخت و طاقت فرمای بعثت پیامبر، ما را به مسئولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت و رسالت الهی بیشتر آشنا می‌کند، که واقعاً پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی در چه غربتهایی برای دین حق و امحاء باطل استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از نهمتها و اهانتها و زخم زبانهای ابولهب‌ها و ابرجهل‌ها

و ابوسفیان‌ها نهراسیدند و درعین شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب این طالب براه خود ادامه دادند و تسلیم نشدند و سپس با تحمل هجرتها و مرارتها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگهای پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران نوطه و کارشکنیها به هدایت و رشد همت گماشته‌اند که دل صخره‌ها و سنگها و بیابانها و کوهها و کوهچه‌ها و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامه پیام رسالت آنان، که اگر آنها بزبان و سخن می‌آمدند و از راز و رمز تحقق «فاستقم كما أمرت» برده بر میداشتند، زائران بیت الله الحرام درمی‌یافتند رسول خدا برای هدایت ما و بهیشتی شدن مسلمانان، چه کشیده است و مسئولیت پیروان او چقدر سنگین است. امت و ملت شهید داده ایران اگر چه در طول دوران مبارزه و جنگ و حوادث دیگر انقلاب مظلومیتها و سختیها و درد و رنجهای فراوان دیده است. و جوانان و عزیزان گرانقدری را تقدیم راه خدا کرده است، ولی بقیماً وسعت مظلومیتها و سختیهای که بر پیشوایان ما رفته است بمراتب بالا تر از مسایل ماست.

حجاج محترم سلام خالصانه ملت عزیز و مسئولین پرتلاش و خانواده‌های معظم شهداء و جانبازان و اسراء و مفقودین را به پیشگاه مقدس پیامبر رحمت و اهل بیت هدی علیهم السلام ابلاغ کند و ملت‌مانه و عاجزانه از آنان تقاضای رحمت بیشتر برای این پیروان صادقی خود خواسته و پیروزی ملت ما را در جنگ بر کفتر جهانی از خدا بخواهند، و از این فرصت مناسب در دعا کردن بهمه مسلمانان و رفع گرفتاریها استفاده کنند.

خداوندا، اگر هیچ کس نداند تو خود میدانی که ما برای برپائی پرچم دین تو قیام کرده‌ایم، و برای برپائی عدل و داد در پیروی از رسول تو در مقابل شرق و غرب ایستاده‌ایم و در پیوندن این راه لحظه‌ای درنگ نمی‌کنیم.

خداوندا، تو میدانی که فرزندان این سرزمین در کنار پدران و ماداران خود برای عزت دین توبه شهادت میرسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید بجوار رحمت بی‌انتهای توبال و پر می‌کشند.

خداوندا تو میدانی که امت رسول تو در این مملکت مواجه با همه نوطه‌هاست و ایادی شیطان در داخل و خارج او را آرام نمیگذارد و تلاشها هر روز برای در تنگنا و مضیق قرار دادن این ملت در امور اقتصادی فزون‌تر میشود.

خداوندا، تو میدانی مردم ما مشکلات را بجان و دل خریده‌اند و از هیچ کس غیر تو ترس و بیم ندارند و تمام زجرها و دردها را تحمل می‌کنند، همه پیروزیها را از آن توبه عنایت تو میدانند، پس ما را به عنایت دوباره خود همراهی فرما و دل‌های ملت ما را به نصر و پیروزی خود امیدوارتر ساز، و رزمندگان جبهه‌ها را بمدد غیبی و جنود مخفی خود غالب و پیروز گردان، و توان صبر و استقامت ما را در تحمل سختیها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست و پیروزی را بما ارزانی فرما، و دل مردم ما را که برای دین تو شهید، مفقود، مجروح و اسیر داده‌اند و سختی هجران عزیزان را بعشق لقاء و رضای تو تحمل کرده‌اند شادمان فرما، و همه ما را در مسیر بندگی خود عاشق و درد آشنا فرما، و شهدایان ما را از کونتر زلال ولایت خود و رسول اکرم (ص) و ائمه هدی سیراب نما و انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما «انک ولی النعم».

روح الله الموسوی الخمینی

اول ذیحجه الحرام ۱۴۰۷ هجری قمری